

آینة

ایران

سؤال کلیدی در سالروز نبرجام

● حمید بعبدی نژاد: در فضای تحریم، محدودیت‌های بسیاری به روابط سیاسی و بین‌المللی ایران تحمیل شده بود. تماس‌ها و رایزنی‌های کشورمان با کشورهای مهم جهانی و منطقه‌ای بسیار محدود شده بود. اتحادیه اروپا عملاً سطح مراودات سیاسی خود با ایران را حداکثر تا سطح مدیران کل وزرات خارجه تعیین کرده بودند و جز در موارد خاص فقط هیات‌هایی به ایران اعزام می‌کردند که بیشتر به حل‌وفصل ضروریات روابط عادی اکتفا می‌شد. از آنجا که روابط سیاسی براساس روابط متقابل شکل می‌گیرد، سطح اعزام‌ها و تبادلات سیاسی از ایران به دیگر کشورها هم محدود شده بود. فشار بر سیاست‌های ایران در سازمان‌های بین‌المللی در شرایطی که ایران به علت وجود مشکلات بانکی حتی از پرداخت سهمیه خود محروم شده بود، تشدید شده بود و عربستان حتی می‌توانست مجمع عمومی سازمان ملل متحد را با طرح ادعاهای واهی علیه ایران به صدور قطع‌نامه بکشانند. امروز این روند کاملاً معکوس شده است. تبادلات سیاسی و بین‌المللی ایران با کشورهای مهم جهانی و منطقه‌ای در دوره کوتاه چشمگیر بوده است و در همین دوره کوتاه حجم تبادل هیات‌ها در سطح عالی رؤسای کشورها و دولت‌ها به نحو مقتدری نقش ایران را در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی افزایش داده است.

اعتراض

برای امید مردم نقشه کشیده اند

● حسین کاشفی: مردم در سال ۹۲ با امید به آقای روحانی رای دادند. انتخابات مجلس دهم در سال ۹۴ نیز باز مهر تاییدی بود بر اینکه مردم به گفتمان اعتدال و اصلاح‌طلبی امید بسته‌اند. ازین‌بردن چنین امیدی اگر هم برای منتفع یک جریان سیاسی خاص مفید باشد، نهایتاً به وحدت ملی در کشور ضربه می‌زند. خصوصاً که روش تندروها برای چنین هجمه‌هایی به دولت با تشنج در جامعه همراه است. آنها همچنین به دنبال ایجاد ناامیدی در مجموعه کابینه دولت هستند تا نتوانند قدرت و اراده انجام کارهای ملی و گسترده را پیدا کنند. اگر هم معتقد هستند که دولت روحانی یک‌دوره‌ای است، باید ارزیابی کارشناسی داشته باشند که این دولت چه تحویل گرفته و الان به کجا رسیده؛ واقعیت‌ها و امکانات چه بوده است. دولت هرچه‌بیشتر در مقابل چنین هجمه‌هایی کار کند. به این خاطر که جریان اصولگرا فرد شاخصی را برای معرفی در انتخابات ۹۶ ندارد که بتواند آرای مردم را جلب کند و مقبولیت کافی به دست آورد؛ از طریق روش‌های تخریبی و هجمه به دولت دست به کار شده‌اند. این حال کارنامه دولت تا حد مطلوبی رضایت‌بخش است. در زمینه سیاست خارجی دولت حتی نسبت به دولت‌های از ابتدای انقلاب موفق‌تر عمل کرده و در زمینه سیاست داخلی نیز البته با وجود کارهای مثبتی که صورت گرفته است، نیازمند تلاش بیشتر دولت هستیم. اگر سایر قوا و بخش‌های دیگر حاکمیت نیز با دولت در حرکت به سمت توسعه همراه باشند، موانع هموار و تحقق آن تسریع می‌شود.

کیم‌سان

اول قرار نبود؟!

● حسین شمسیان: با این مرور بسیار فشرده از داده‌ها و ستانده‌ها و با مرور بر وضعیت اقتصادی کشور، بهتر می‌توان فهمید برجام، الگوی مناسبی برای تکرار در موضوعات دیگر هم هست یا نه و چرا رهبر عزیز انقلاب با آن قاطعیت و صراحت تاریخی، راه برجام‌های بعدی را بستند و محکم در برابر آن ایستادند! اما در خاتمه، یک موضوع را در کنار آنچه مرور شد نباید نادیده گرفت. اینکه آمریکایی‌ها خدعه‌گر هستند درست. اینکه خیانت در ذات آنها هست قبول. اینکه تیم مذاکره‌کننده زحمت کشید هم قبول. اما این قابل‌قبول نیست که با گذشت یک سال از برجام و نبود اثری در زندگی مردم و با وجود ده‌ها خیانت و کارشکنی آمریکا، معاون وزیر خارجه کشورمان، به سفیدکردن چهره خیانت‌آمیز آنها بپردازد و مثلاً بگوید نقض مهمی (!) اتفاق نیفتاده! یا بگوید از اول قرار نبود با برجام تحریم‌ها لغو شود! واقعا از اول قرار نبود؟! اگر نبود بر سر چه مذاکره کردید؟! چرا همه چیز را دادید؟! یعنی همه آن مذاکرات برای تنها و تنها برای به‌مسئله‌بردن صنعت هسته‌ای بود؟! واقعا از اول قرار نبود؟! بالاخره آقای عراقچی معاون وزیر خارجه ایران است نه نماینده آمریکا و بیش از اینها از وی انتظار می‌رود.

روز

۲۳ تیر روز ماندگاری انقلاب

● عباس حاجی‌نجاری:حضور مردم در صحنه دفاع از انقلاب در ۲۳ تیر ۷۸ و ۹ دی ۸۸ تنها عامل توقف روند آشوب‌افکنی و اخلاخ در روند عملکرد دولت جمهوری اسلامی نبود، بلکه عاشورایی‌بودن مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران را ثابت کرد و نشان داد که مردم ایران با وجود تحمل دشواری‌ها و سختی‌ها که بخش لاینفک هر نظام سیاسی است، آن‌گاه که لازم باشد، فارغ از هر نوع گرایش سیاسی در پای نظام ایستاده و آماده جان‌فشانی هستند. این حماسه‌ها یک بار دیگر هویت و ماهیت اسلامی انقلاب را به جهانیان نشان داد و به حوداتی ماندنی در تاریخ انقلاب تبدیل شد. مقام معظم رهبری در تشریح حماسه ۹ دی می‌فرمایند: راز ماندگاری این انقلاب اتکا به ایمان‌هاست، اتکا به خداست.

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ در این صفحه را داشته باشند، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و حداکثر در ۶۰۰ کلمه با درج عنوان به آدرس **politics@sharghdaily.ir** ارسال‌شود. بدیهی

پژواک

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ در این صفحه را داشته باشند، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و حداکثر در ۶۰۰ کلمه با درج عنوان به آدرس **politics@sharghdaily.ir** ارسال‌شود. بدیهی

آن انتخابات

حمید دهقانی: از اهداف اصلی انتخابات شورای شهر در جوامع مختلف، توانمندسازی حکمرانی محلی است. به همین دلیل هیچ انتخاباتی به این اندازه تابع عوامل محلی نیست. از سویی، پیروزی در انتخابات شوراها می‌تواند آغازی برای بازسازی درون حزبی و در نتیجه کسب قدرت ریاست‌جمهوری باشد؛ یعنی به نوعی، دستیابی به نهادهای انتخابی به‌مرور زمان و از پایین به بالا صورت گیرد. مانند رویدادی که اصولگرایان در انتخابات شوراهای ۱۳۸۱ تجربه کردند. آنها با پیروزی در آن انتخابات و بازسازی درونی، به ترتیب نهادهای مجلس و ریاست‌جمهوری را به سنگره‌سنگر فتح کردند. نزدیک به ۱۴ سال گذشته و در سه دوره انتخابات پیشین شورای شهر، اصولگرایان پیروز میدان بوده‌اند. به همین منظور، برای فهم پیروزی اصولگرایان بیش از هر چیز لازم است بدانیم آنها چگونه وارد رقابت انتخاباتی شدند و چگونه نهادی را که به دست گرفتند تا امروز اداره کرده‌اند. پیش از هر چیز، توجه به میزان آرای نامزدهای اصلی دو جناح در شورای شهر اول، دوم و سوم حائز اهمیت است. در انتخابات دور نخست شورای شهر، پنج نفری (عبدالله نوری، سعید حجاریان، محمد عطرانفر، ابراهیم اصغرزاده و احمد حکیمی‌پور) که ابتدا ردصلاحیت شده بودند، توانستند به ترتیب بیشترین آرا را به خود اختصاص دهند. درحالی‌که در شورای اول افراد با آرای بسیر بالا وارد شورای شهر تهران شدند – برای نمونه عبدالله نوری با ۵۵۸۸هزارو ۶۳۳ رای نفر اول شد – در دور دوم مشارکت مردم به ۱۲ درصد رسید و مهدی چمران نفر اول انتخابات، فقط با ۱۹۲ هزار رای وارد شورا شد. نکته درخور توجه این است که پس از چهار سال و در انتخابات شورای سوم، میزان

و احیاناً پیشگیری از درز پیداکردن اختلاف درونی برگزار می‌کنند) اصلاح‌طلبان در شورای اول جلساتی علنی و شفاف برگزار می‌کردند. این امر چنان پاشنه آشیل اصلاح‌طلبان شد که اصولگرایان در آن زمان شعار انتخاباتی خود را «حای مردان سیاست بنشاندین درخت، تا هوا تازه شود» قرار دادند و هنوز هم در شوراها با وجود گذشت سال‌ها، برای تخریب اصلاح‌طلبان به شیبه‌سازی و شائبه‌سازی تصمیمات آنها با تصمیمات ۱۴ سال پیش می‌پردازند.

تحلیل طبقاتی از رفتار انتخاباتی

بررسی انتخابات شوراهای شهر نشان می‌دهد این انتخابات بیش از هر انتخاباتی، جدال میان طبقات فرادست و فرودست شهری است. در انتخابات‌های ایران، به‌ویژه در شوراها و مجلس ناصر ذاکری؛ فیش حقوقی، همه واقعیت را نشان نمی‌دهد. همه امتیازاتی که یک مقام ارشد در سازمان محل خدمت خود از آنها برخوردار است، لزوماً در فیش حقوقی منعکس نمی‌شود. ازاین‌رو جریان انتشار تصاویر فیش‌های حقوقی مدیران با هر نیتی آغاز شده باشد، آثار و برکات زیادی برای جامعه تشنه عدالت امروز خواهد داشت، اما خلاصه‌کردن موضوع امتیازات و رانت‌های پیدا و پنهان در فیش‌های حقوقی، منطقی نیست.

اجازه بدهید مثالی بزنم:

فرض کنید یک حقوق‌بگیر از گروه ۹۹درصدی‌ها^۱ که محروم از

پاداش‌های نجومی هستند، تصمیم بگیرد خشم خود را از اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا نشان بدهد. او باید زحمت شرکت در یک مراسم را به خود بدهد یا با صرف وقت و امکانات شخصی خود، مقالاتی در مسیر باور خود تنظیم و منتشر کند. اما آیا همه جامعه حقوق‌بگیر کشورمان از این نظر در شرایط برابر هستند؟

برای رسیدن به پاسخی کامل و قابل‌قبول، کافی است به اقدامات و تبلیغات شهرداری تهران و نهادهای وابسته به آن توجه کنیم؛ اگر مدیران شهری تهران تصمیم بگیرند خشم خود را از اقدامات آمریکا نشان بدهند، اگر بخواهند تعلق‌خاطر خود را به فلان حزب یا جناح سیاسی نشان بدهند و اگر برنامه‌ای برای شرکت در انتخابات آینده داشته باشند، لازم نیست از خود و جیب خود یا حتی بودجه حزب سیاسی موردعلاقه خودشان مایه بگذارند. آنها می‌توانند با هزینه مردم تهران به تبلیغ افکار و دیدگاه‌های خود یا دیدگاهی که دوست دارند مدافع آن شاخته شوند، بپردازند.

آیا چنین امکانی را نمی‌توان به‌عنوان یک سطر مغفول از فیش حقوقی مدیران شهر تهران قلمداد کرد؟ آنان ممکن است فیش حقوقی خود را که احتمالاً شامل رقمی معمولی و تاحدی هم‌تراز با سایر حقوق‌بگیران است، منتشر کنند. اما باید به این سطر جاافتاده از فیش حقوقی آنان توجه کنیم. اخیراً شهرداری تهران با استفاده از امکانات متعلق به مردم این شهر، اقدام به نصب بنرهای تبلیغاتی عظیم در

تگیرند؛ اما همین‌جا بود که اشتباه بزرگ‌تر سر زد! اعتدال با محافظه‌کاری به دست نمی‌آید، محافظه‌کاری و نبود شفافیت سبب‌ساز زایش افکار فرصت‌طلبانه است.

ایده محافظه‌کاری (حد وسط) در وزارت کشور کلید خورد و متأسفانه در چنین فرمانداری‌ها همین رویه دنبال شد؛ محافظه‌کاری رضایت به وضع موجود را ترغیب می‌کند. در حقیقت بیشتر کارگزاران و عاملان، خود را مقید به محافظه‌کاری می‌بیند و می‌کوشند براساس وضع موجود در شرایط فعلی حرکت کنند. اساساً رویکرد و رفتار آنان پیش‌بینی‌نشدنی است. ترس از به‌خطرآفتادن جایگاه و منافع فردی، نمی‌تواند مجریان و ژنرال‌های جسوری را برای اجرای برنامه‌های اعتدالی دولت پرورش دهد و برای همین است که نمی‌توان در بزنگاه‌ها روی این

است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.

آن انتخابات

آرای اصولگرایان افزایش چشمگیری داشت. چمران توانست ۶۰۳ هزار رای به دست آورد؛ یعنی بیش از سه برابر انتخابات پیشین. چنین روندی کاملاً برعکس نتایج انتخاباتی بود که برای اصلاح‌طلبان رقم خورد؛ اصلاح‌طلبان در دور اول شورا، آرای بالا و در دور دوم با کاهش آرای شدیدی مواجه شدند. این امر دلایل بسیاری داشت، اما به باور بسیاری یکی از دلایل آن سیاسی شدن بیش‌از‌حد شوراهای اول و اختلافات درونی اعضا بود. برخلاف سه دوره شوراهای اخیر(اصولگرایان به غیر از جلسه علنی، یک جلسه غیرعلنی در روزهای یکشنبه با نام جلسه «بدون مستمع» برای دور نگه‌داشتن رسانه‌ها

و احیاناً پیشگیری از درز پیداکردن اختلاف درونی برگزار می‌کنند) اصلاح‌طلبان در شورای اول جلساتی علنی و شفاف برگزار می‌کردند. این امر چنان پاشنه آشیل اصلاح‌طلبان شد که اصولگرایان در آن زمان شعار انتخاباتی خود را «حای مردان سیاست بنشاندین درخت، تا هوا تازه شود» قرار دادند و هنوز هم در شوراها با وجود گذشت سال‌ها، برای تخریب اصلاح‌طلبان به شیبه‌سازی و شائبه‌سازی تصمیمات آنها با تصمیمات ۱۴ سال پیش می‌پردازند. **تحلیل طبقاتی از رفتار انتخاباتی** بررسی انتخابات شوراهای شهر نشان می‌دهد این انتخابات بیش از هر انتخاباتی، جدال میان طبقات فرادست و فرودست شهری است. در انتخابات‌های ایران، به‌ویژه در شوراها و مجلس ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد شاخص مشارکت سیاسی برای افراد بی‌سواد شش برابر بیشتر از همین شاخص برای افراد تحصیل‌کرده است. چرایی اینکه مشارکت میان افراد با تحصیلات و درآمد بالاتر، کمتر از دیگران است، می‌تواند به پایگاه اجتماعی حاکمیت سیاسی بازگردد. روزنامه «شرق» نیز در مقاله‌ای در تاریخ ششم اسفند ۱۳۹۴ به بررسی رفتار انتخاباتی استان‌های «محروم» و «مرفه» از آغاز انقلاب تا سال ۱۳۹۲ پرداخت و نشان داد روند رفتار انتخاباتی استان‌های محروم، عبور از نارضایتی به رضایتمندی و در نتیجه مشارکت بیشتر نسبت به اوایل انقلاب است. در مقابل، رفتار انتخاباتی استان‌های مرفه یا توسعه‌یافته، روند عبور از رضایتمندی به نارضایتی داشته و

سطح شهر کرده، که البته قیلاً هم چنین اقدامی کرده بود. این تابلوها نشان می‌دهد که مدیریت شهری تهران چهره‌ای انقلابی و ضدآمریکایی است و در هر فرصتی خشم انقلابی خود را نسبت به شیطان بزرگ بروز می‌دهد. آیا اگر یک فعال سیاسی دیگری بخواهد چنین تصویری از خود به نمایش بگذارد، چنین امکانی برایش فراهم است؟ یا باید از جیب خود و نه جیب مردم تهران مایه بگذارد؟

نهادهای مرتبط با شهرداری تهران حتی در ایام انتخابات هفتم اسفند هم دست از بهره‌مندی از امکانات شهری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود برنداشته و علیه «لیست انگلیسی» موضع گرفتند!^۳ و چندی پیش نیز با خرج مردم تهران برای نمایندگان مجلس نهم مراسم تقدیر و تودیع برگزار کردند. با عنایت به این واقعیت، به خودم اجازه می‌دهم که ادعا کنم حداقل یک سطر از فیش حقوقی مدیران شهر تهران جا افتاده و در فیش ماهانه منعکس نمی‌شود؛ امکان «برداشت» از جیب مردم تهران برای تبلیغ گرایش سیاسی خود و جلب حمایت بی‌مناسبت نیست در اینجا به موردی مشابه از جامعه آمریکا اشاره کنم:

مایکل مور، مستندساز برجسته آمریکایی، در فیلم مشهور خود با عنوان Sicko محصول سال ۲۰۰۷ به بررسی مشکلات صنعت بیمه آمریکا پرداخته و عملکرد سودجویانه شرکت‌های بیمه را نقد می‌کند، اما او ناخواسته نکته جالبی را در دفاع از مدیران این شرکت‌ها مطرح می‌کند؛ ماجرا از این قرار است:

چندنفر از شهروندان آمریکایی در روز یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ و با مشاهده انفجار عظیم در برج‌های تجارت جهانی، با انگیزه انسان‌دوستانه به کمک حادثه‌دیدگان می‌روند. آنان به دلیل استنشاق دود و گردوغبار فراوان، سلامتی خود را از دست می‌دهند. اما شرکت بیمه با این ادعا که این افراد حکم مأموریت نداشته و خودسرانه اقدام به این کار خیر کرده‌اند، از پرداخت هزینه درمانی این قهرمانان خودداری می‌کند.

تگیرند؛ اما همین‌جا بود که اشتباه بزرگ‌تر سر زد! اعتدال با محافظه‌کاری به دست نمی‌آید، محافظه‌کاری و نبود شفافیت سبب‌ساز زایش افکار فرصت‌طلبانه است.

ایده محافظه‌کاری (حد وسط) در وزارت کشور کلید خورد و متأسفانه در چنین فرمانداری‌ها همین رویه دنبال شد؛ محافظه‌کاری رضایت به وضع موجود را ترغیب می‌کند. در حقیقت بیشتر کارگزاران و عاملان، خود را مقید به محافظه‌کاری می‌بیند و می‌کوشند براساس وضع موجود در شرایط فعلی حرکت کنند. اساساً رویکرد و رفتار آنان پیش‌بینی‌نشدنی است. ترس از به‌خطرآفتادن جایگاه و منافع فردی، نمی‌تواند مجریان و ژنرال‌های جسوری را برای اجرای برنامه‌های اعتدالی دولت پرورش دهد و برای همین است که نمی‌توان در بزنگاه‌ها روی این

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت روحانی در چنین مدیران بالادستی بر همین رویه رفت، وزیر کشور و وزیر دادگستری را با وجود مخالفت اطرافیان^۲ از جناح مقابل خود در انتخابات ۲۴ خرداد انتخاب کرد و در تعامل با همان جناح، توانست شعار انتخاباتی اش را اجرائی کند. اینکه ساتنریفیوز^۳ باید بچرخد، زندگی مردم باید بچرخد، اینها رویه نیکویی بود که رئیس دولت تدبیر و امید بنیان نهاد

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت‌های گذشته مدیران استانی و شهرستانی معمولاً بعد از سخنرانی‌های رئیس دولت، در طول هفته به تبیین برنامه‌های دولت می‌پرداختند، نکته‌ای که مدیران وزارت کشور به‌عمد یا غیرعمد از آن غافل هستند. امروز حتی می‌بینیم بده‌بستان‌هایی بین مدیران بالادستی برای انتصاب مدیران ارشد در جریان است. با شروع به‌کار مجلس، استاندارهای نگران تغییر،

با لابی‌های خارج از دولت، تسلیم خواسته‌های مجلس می‌شوند. دولت باید از استاندارف حمایت کند؛ اینکه هرازگاهی صحبتی هدف‌فاد مبتنی بر تعویض استانداران بیان می‌شود، باید بازی اهل قدرت باشد! ما تاکنون شاهد نبوده‌ایم دولت

مدیران حساب کرد. امروزه می‌بینیم دور از چشم دولت، در گوشه و کنار کشور پهناورمان، مدیران شهرستانی مجری سیاست‌های دولت نیستند. در دولت